



## اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن از محمود دولت آبادی

نادره بدیعی<sup>۱</sup>، فائزه عرب یوسف آبادی<sup>۲\*</sup>، احمد سنچولی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل

<sup>۲</sup>دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

<sup>۳</sup>دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۷

### چکیده

محمود دولت آبادی نویسنده‌ای است با سبک نوشتاری واقع‌گرا و در رمان‌های متعدد به زندگی و رویکردهای اجتماعی و سیاسی نگاهی عینی‌گرا دارد. رمان طریق بسمل شدن دولت آبادی، داستانی درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق است که دارای ۵۲ شخصیت است. در این رمان، ماجرای تپه‌های موسوم به صفر از زاویه‌ی دید دو راوی از هر دو کشور متخاصم روایت می‌شود. با وجود جایگاه خاص اجتماعیات در آثار این نویسنده و با توجه به فقدان تحقیقی بنیادین درباره رمان طریق بسمل شدن که پس از ده سال اجازه چاپ یافت، پرداختن به این رمان در حوزه نقد جامعه‌شناسی ضروری است. در پژوهش حاضر به بررسی رمان «طریق بسمل شدن» از منظر نقد جامعه‌شناسی پرداخته شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. هدف در این پژوهش کشف اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن است. پژوهش بر پایه این پرسش اصلی شکل گرفت که مؤلفه‌های بارز اجتماعیات در رمان طریق بسمل کدام است؟ نتیجه تحقیق حاکی از آن است که مؤلفه‌های بارز اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن عبارت است از: تقابل شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع، زمینه‌های تاریخی اجتماعی و تقابل مسائل اجتماعی و فرهنگی در رمان طریق بسمل شدن.

**واژه‌های کلیدی:** طریق بسمل شدن، اجتماعیات، محمود دولت آبادی، طبقات اجتماع، زمینه تاریخی، مسائل فرهنگی.

### مقدمه

ادبیات بازآفرینی واقعیت است؛ از این رو، ادبیات هر عصری نمایانگر احوال حاکم بر آن زمان است. بنابراین، رابطه میان ادبیات و جامعه، از گذشته تاکنون، رابطه‌ای متقابل دانسته شده است. جامعه‌شناسان ادبیات تأثیرات هم‌زمان جامعه، نویسنده و اثر را بررسی می‌کنند. در جامعه‌شناسی، از میان صورت‌های گوناگون ادبی، رمان در مقایسه با دیگر قالب‌های ادبیات داستانی از اقبال بیشتری برخوردار است؛ از این رو بسیاری از نویسندگان و جامعه‌شناسان، افکار خود را در قالب رمان به جامعه عرضه داشته‌اند. «آنچه امروز با عنوان جامعه‌شناسی در ادبیات یا جامعه‌شناسی ادبی شناخته می‌شود، علمی است که جورج لوکاج (۱۸۸۵-۱۹۷۱)، فیلسوف و منتقد مجارستانی در اوایل قرن بیستم آن را بنیان گذاشت و پس از او لوسین گلدمن (۱۹۱۳-۱۹۷۰) دانشمند رومانیایی ساکن فرانسه آن را بسط و گسترش داد» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۱).

«گلدمن که مرید لوکاچ، فیلسوف، سیاستمدار و منتقد نامدار مجار است، به تکوین ساختار اثر توجه دارد. او هر اثر ادبی، یا فلسفی را، جزئی می‌داند مستقل از آفریننده که وابسته به یک گروه است و این گروه خود نیز جزئی است از ساختار اجتماعی-اقتصادی-سیاسی دوره‌های معین» (همان: ۵۲).

از دیگر سو، محمود دولت‌آبادی (ت: ۱۳۱۹)، نویسنده‌ای است که سبک نوشتارش واقع‌گراست و در زندگی و رویکردهای اجتماعی و سیاسی همواره نگاهی عینی‌گرا داشته است. داستان‌های دولت‌آبادی عموماً در میان مردم روستایی و عشایر می‌گذرد، زبان نوشته‌های او نیز فارسی اصیل و استوار خراسانی است و تلفیق گونه‌های عامیانه، کهن و بومی با ساختمان نحوی خاص و تشبیهات گسترده حسی در بافت نحوی ویژه اهم شاخص‌های سبکی زبان داستان‌های او را شکل می‌دهد.

محمود دولت‌آبادی از جمله نویسندگانی است که با پرداختن به پاره‌ای از مسائل اجتماعی جامعه ایران در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۰ و به تصویر کشیدن مضامینی همچون فقر و گرسنگی، مناسبات زناشویی در شرایط نابسامان اجتماعی، مصائب پایان‌ناپذیر مردم ستمدیده و رنج‌کشیده شهری و روستایی و همچنین تقابل سنت و تجدد، از طریق ادبیات داستانی توانسته است، دریچه‌ی تازه‌ای را برای مخاطبان خود بگشاید؛ بر این اساس در پژوهش حاضر به بررسی اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر به بررسی رمان «طریق بسمل شدن» از منظر نقد جامعه‌شناختی پرداخته شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است؛ به این ترتیب که داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای بررسی، و تحلیل شد و در پایان به روش استنتاجی و نتیجه‌گیری از بحث انجامیده است. هدف در این پژوهش کشف اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن است. پژوهش بر پایه این پرسش اصلی شکل گرفت که مؤلفه‌های بارز اجتماعیات در رمان طریق بسمل کدام است؟ نتایج حاکی از آن است که مؤلفه‌های بارز اجتماعیات در رمان طریق بسمل عبارت است از: تقابل شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع، زمینه تاریخی اجتماعی و تقابل مسائل اجتماعی و فرهنگی در رمان طریق بسمل شدن.

### پیشینه مطالعاتی تحقیق

در رابطه با نظریه‌های جامعه‌شناسی و نقد ادبی رمان‌های دولت‌آبادی، مقاله‌هایی نوشته شده است؛ از جمله؛ مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نمادها و اسطوره‌های رمان طریق بسمل شدن از محمود دولت‌آبادی» از احمد فروزانفر و شهلا دینوی زاده. در این پژوهش این نتیجه به دست آمده است که رمان طریق بسمل شدن دولت‌آبادی با نمادها و اسطوره‌ها و تاریخ بسیاری گره خورده است و این اسطوره‌ها و نمادها با توجه به جایگاهشان، بر مقوله‌های حیاتی همچون صلح، زندگی و جاودانگی اثرگذارند.

در پژوهشی دیگر ادهمی، جهانگیری و دیداری (۱۳۹۰) تحت عنوان «نقد جامعه‌شناختی رمان "سفر" محمود دولت‌آبادی» به بررسی رمان سفر به عنوان اثری که حاصل تحولات دوره گذار است، می‌پردازند. در مقاله‌ای با عنوان «نقد جامعه‌شناختی جای خالی سلوچ» (۱۳۸۸) از میلاد شمعی و محمدرضا نصر اصفهانی، نگارندگان با بررسی جامعه‌شناختی رمان «جای خالی سلوچ» رابطه میان آفرینش ادبی و اوضاع احوال اجتماعی و تاریخی نویسنده را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دادند. علاوه بر این، پایان‌نامه‌هایی درباره جامعه‌شناختی آثار دولت‌آبادی نوشته شده؛ از جمله، رزقی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی جامعه‌شناسی رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی پرداخته و این نتیجه را حاصل کرده است که ساختار این اثر تا حدود زیادی باز نمود ساختاری جامعه است. با وجود جایگاه خاص اجتماعیات در آثار این نویسنده و با توجه به فقدان تحقیقی بنیادین درباره رمان طریق بسمل شدن که پس از ده سال اجازه چاپ یافت، پرداختن به این رمان در حوزه نقد جامعه‌شناختی ضروری است.

با توجه به پیشینه فوق می‌توان گفت، تاکنون پژوهشی با موضوع بررسی اجتماعیات رمان طریق بسمل شدن (۱۳۹۷) از محمود دولت‌آبادی انجام نشده و این پژوهش نخستین اثری است که از این منظر به این دو کتاب می‌پردازد.

**خلاصه رمان طریق بسمل شدن:** رمان طریق بسمل شدن داستانی درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق و محل وقوع آن در خط مقدم جبهه و روی تپه‌ای به نام تپه صفر است. داستان در میان سربازانی شکل می‌گیرد که در محاصره دشمن قرار گرفته‌اند و به دنبال راهی برای رسیدن به تانکر آب در پایین دره مورد نظر هستند. محل وقوع داستان بارها جابه‌جا می‌شود و راوی‌های مختلف پیدا می‌کند و شاخ و برگ‌های اضافی و تاریخی ناقص به آن اضافه می‌گردد. از جمله این اضافات می‌توان به مطالبی درباره جنگ ایران و اعراب در صدر اسلام و استفاده‌های تمثیلی از داستان‌های کبوتر و ماده شیر اشاره کرد. با درهم آمیختن همه این مطالب و صحنه‌ها و افاضات ذهنی نویسنده، در این کتاب معجونی ساخته شده است که از گزارش واقعی جبهه و جنگ به دور است و دولت‌آبادی سعی کرده است زوایای فکری و رفتاری خود را در نقش راوی (که خود او است) به خواننده انتقال دهد (گل‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱).

### بحث و بررسی

نقد جامعه شناختی آثار ادبی، روشی است که به تحقیق و بررسی درباره طبقات مختلف جامعه و طرز رفتارها و کنش‌های متفاوت و مشابه ساختارهای اجتماعی در یک متن ادبی می‌پردازد. «در این شیوه نقد، اثر ادبی از این دیدگاه که اجتماع و هنرمند و اثر او با یکدیگر رابطه‌ای زنده و جدایی ناپذیر دارند، مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ بنابراین منتقد به دقت از زمان و مکانی که نویسنده در آن زیسته و اثر ادبی در آن به وجود آمده، آگاهی کامل به دست می‌آورد تا بتواند اثر را به منزله واکنش روحیه هنرمند نسبت به جامعه و برداشت‌های او از محیط مورد مطالعه قرار دهد. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۶۷). این شیوه از نقد با روش‌های مختلف به بحث و تفحص آثار ادبی می‌پردازد. روش‌های نقد اجتماعی آثار ادبی مجموعه‌ای از رویکردها و فنون است که در بررسی، تحلیل و ارزیابی جوامع و سیستم‌های اجتماعی منعکس شده در متون ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این روش‌ها به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف، مشکلات و موانع، نیازها و تمایلات جامعه، و همچنین بهبود و تغییر جامعه‌ها به کار می‌روند. در زیر به برخی از روش‌های نقد اجتماعی متون ادبی اشاره خواهیم کرد:

- تحلیل نقادانه: در این روش، سعی می‌شود با تمرکز بر قدرت‌ها، نقاط ضعف، نهادها و ساختارهای اجتماعی موجود در متون ادبی، تحلیلی نقادانه از جامعه و سیستم‌های اجتماعی ارائه شود. این روش به استفاده از ابزارهای تحلیلی از جمله نظریه‌ها، مفاهیم و مدل‌های نقدی مشهور مبتنی بر تفکر اجتماعی می‌پردازد (Nettleton, 1996: 21).
- تحلیل روابط قدرت: در این روش، تمرکز بر بررسی قدرت و نیروهایی که در ساختارهای اجتماعی و روابط اجتماعی موجود در متن، وجود دارند قرار می‌گیرد. مطالعه قدرت‌ها و نیروهای اجتماعی و نحوه توزیع آن‌ها در جامعه‌ای که یک متن ادبی ترسیم کرده است، می‌تواند در فهم بهتر سیستم‌های اجتماعی و نقاط ضعف آن‌ها بسیار مفید باشد (همان).
- تحلیل نقش‌ها و هویت‌ها: این روش بر بررسی نقش‌ها، هویت‌ها و تعاملات اجتماعی در جامعه تمرکز دارد. با بررسی نقش‌های اجتماعی در جامعه و تأثیر آن‌ها بر روابط اجتماعی و ساختارهای قدرت، می‌توان عواملی؛ مانند تبعیض، نابرابری و تنش‌های اجتماعی را شناسایی کرد (Shilling, 1993: 8). لازم به توضیح است که این روش‌ها به‌منظور ارزیابی و تحلیل جوامع و سیستم‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند و ممکن است با توجه به نیازها و هدف‌های مطالعه متغیر باشند.

از میان منتقدان مختلف لوسین گلدمن که با پیروی از اندیشه‌های لوکچ به بحث جامعه‌شناسی رمان پرداخت جایگاه خاصی دارد. او معتقد است که نخستین مسأله‌ای که جامعه‌شناسی رمان در آغاز باید به آن بپردازد «رابطه رمان با ساختار جامعه‌ای است که در آن شکل گرفته و به تکامل خود رسیده است (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۸).

گلدمن می‌کوشد نشان دهد چگونه موقعیت تاریخی یک گروه یا طبقه اجتماعی به میانجی‌گری جهان‌بینی آن طبقه در ادبیات انعکاس می‌یابد. پس هر اثر ادبی از آن‌رو که ساختار اجتماعی و تاریخی دوره‌ای را در خود منعکس می‌کند، سند تاریخی مهمی در بررسی و تحلیل دورانی از جامعه محسوب می‌شود (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳: ۷۴) در ادامه به معرفی مؤلفه‌های اجتماعیات و بازتابانی مصادیق آن در رمان مورد بررسی می‌پردازیم:

**تقابل شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع:** در طریق پِسمِل شدن بیش از ۵۲ شخصیت در رمان حضور دارند. شخصیت‌های اصلی داستان، عبارتند از: راوی، کاتب، سرگرد. در این رمان یک راوی ایرانی و یک راوی عراقی (کاتب، ابوعلاء) درباره موضوعی واحد می‌نویسند. ماجرای تپه‌ای موسوم به صفر از زاویه‌ی دید دو راوی دو کشور متخاصم روایت می‌شود. به نظر لوسین گلدمن در هر رمان رئالیستی شخصیت‌هایی وجود دارند که به سبب پایبندی به اصول و ارزش‌های راستین، پروبلماتیک؛ یعنی مسأله دارند. شخصیت پروبلماتیک را نه به معنای فرد مسئله‌ساز بلکه به معنای شخصیتی به کار می‌بریم که زندگانی و ارزش‌هایش، او را در برابر مسائلی حل‌نشدنی که نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آن‌ها به دست آورد قرار می‌دهند (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۶۰). در طریق پِسمِل شدن راوی و کاتب به دلیل مخالفت با جامعه تباه خود به‌عنوان افرادی پروبلماتیک معرفی می‌شوند.

فرم و شیوه شخصیت‌پردازی این اثر متأثر از وقایع و پیچیدگی شرایط جامعه است. در حقیقت جوهر فکری نویسنده ایرانی و عراقی به عنوان نماینده شخصیت‌های پروبلماتیک یا مسأله‌دار دو ملت متخاصم برگرفته از میل به صلح در جوامع انسانی است. این دو شخصیت با مشکلات و مسائلی روبرو هستند که به عنوان نماینده‌ای از جامعه‌ای که به شدت تحت تأثیر جنگ قرار گرفته، به تصویر کشیده شده است. این شخصیت‌ها در واقع نماینده سربازان، خانواده‌های سربازان، پناهجویان، زنان و کودکان جنگ یا هر فرد دیگری هستند که به مشکلات و مسائلی بر می‌خورند تا به خوبی نشان دهند که جنگ چگونه بر جامعه تأثیر می‌گذارد.

در روایت راوی ایرانی، انسان‌های عادل مثل ستوان ایرانی دیده می‌شوند که بی‌تردید ستم‌ستیز هستند. او به سرباز تحت امر خود دستور می‌دهد تا سرباز عراقی را نکشد. نقل قول زیر از زبان ستوان ایرانی گویای عدالت اوست: «اسیر را نباید کشت... شاید یک علتش این باشد که اسیر موجودی است بی‌دفاع و تسلیم‌شده؛ اما به نظر من این ظاهر یک امر است. باطن امر به نظر من چیز دیگری است و آن این است که اسیر وقتی گرفتار می‌شود تمام آنچه ظاهر او را می‌ساخته، ناگهان زایل می‌شود» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۹).

در این روایت با ازهم‌گسیختگی گفتمان سیاسی عراقی مواجهیم. در بخش‌هایی از رمان مذکور، سرگرد عراقی سعی دارد از طریق تهدید و تحمیل، گفتمان حقیقی مندرج در ذهن کاتب عراقی را به حاشیه براند و از این طریق با تثبیت معنا و هویت بخشی، هژمونی موردنظر خود را که همانا واژگون کردن علت‌های واقعی قتل اسیران ایرانی است، برجسته کند. عبارت‌های زیر از زبان سرگرد خطاب به راوی کشور خودش به خوبی منعکس‌کننده این حقیقت است:

«خودتان خوب می‌دانید که افشا کردن اسرار نظامی در دوره‌ی جنگ جرم بسیار سنگینی دارد... من هم این‌طور فکر می‌کنم. با این تفاوت که روایت من از واقعه به سود وطن و به ضدعدو است. با عمده کردن این روایت ما می‌توانیم تمام اخلاقیات آن‌ها را باطل کنیم» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۰-۳۱).

در این میان کاتب که تحت فشار گفتمان کشور خویش به دستور این سرگرد بعثی باید طبق مستندات جعلی روایت ساختگی یک قتل را علیه اسرای ایرانی بنویسد، دچار تنش ذهنی می‌شود و در مقابل دیدگاه تحمیلی می‌ایستد و از زبان خویش ایدئولوژی نویسنده را آشکار می‌کند. به جملات زیر از نگاه کاتب عراقی خطاب به سرگرد بعثی که

نشان‌دهنده این مقاومت در برابر ایدئولوژی حاکم است، بنگرید: «من نویسنده هستم، سرگرد؛ نویسندگان نمی‌توانند هیزم‌بیار جنگ باشند. آن‌هم جنگی که من هنوز معنا و هدف آن را نفهمیده‌ام» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۹۵-۹۶).

تنوع تیپ‌شخصیتی و رو در رو قراردادن این شخصیت‌ها، نشان از شناخت عمیق نویسنده از افراد داستانی است. او با توصیف رنج‌ها و تلاش‌هایی که شخصیت‌ها در راه جامعه خود کشیده‌اند، خواننده را از نزدیک با آن‌ها آشنا کرده، او را مجذوب قهرمان و با خود همراه می‌کند. وی آن‌چنان ماهرانه این کار را انجام می‌دهد که خواننده، در طی رمان احساس می‌کند متعلق به جزئی از جامعه همان زمان است. شخصیت‌ها در رمان طریق بسمل شدن به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که همراه با برنامه‌های نظام حاکم بر جامعه پیش می‌روند برای فرصت‌طلبی. دسته دیگر آدم‌هایی هستند که از موقعیت پیش‌آمده چندان راضی نیستند و نگاه انتقادی به جنگ دارند. سرگرد جزو گروه اول و کاتب و راوی که شخصیت‌های محوری داستان می‌باشند، در گروه دوم جای دارند. شخصیت‌های اصلی داستان، افراد روشنفکر جامعه هستند که این افراد همه با جنگ و خونریزی مخالف‌اند.

یکی از شگردهایی که در «طریق بسمل شدن» دیده می‌شود، دنبال کردن واقعه‌ها، همراه با نویسنده، کاتب و راوی درون‌متن است. کاتب خود یکی از شخصیت‌های رمان است، او از یک‌طرف متمرکز بر آدم‌های قصه خودش است که در تپه صفر گیر افتاده‌اند، هم عراقی و هم ایرانی تشنه‌اند و راه نجاتشان رسیدن به تانکر آبی است که از آتش آتشبارها در امان مانده است و از طرفی، از جانب ارتش عراق مأمور است که مسائل اسیران ایرانی را به گونه‌ای که خود می‌خواهند و طرحش را می‌دهند، به رشته تحریر درآورد چراکه قدرت و تأثیر قلمش چنان است که به قول سرگرد عراقی مسئول و مأمور این طرح، تلویزیون و تصویر با آن قابل قیاس نیست. از سویی، راوی ایرانی را داریم که نزدیک به ستوان و رزمنده زیردستش و اسیر عراقی آن‌هاست و حرکاتشان را دنبال می‌کند و مواظب این طرف ماجراست.

این تمهید، از این نظر که هم از جانب نویسنده عراقی و هم راوی ایرانی مورد کندوکاو قرار می‌گیرد و از هر دو طرف گسترش می‌یابد، جالب است. اینکه دو راوی، هم‌زمان دارند یک واقعه یا یک روایت را پیش می‌برند، دو راوی که به‌ظاهر در اکنون روایت دشمن هم‌اند و نگران وضعیت آدم‌های روایت مشترکشان هستند و البته در این میان نکته جالب‌تر این است که علاوه بر واقعه مشترک، هر کدام مسئله‌های دیگری را یا خطوط روایی دیگری را وارد روایت اصلی می‌کنند.

کاتب عراقی به اعماق تاریخ و آغاز ورود اعراب به ایران و وزارت ایرانیان در دم‌دستگاه عباسیان و غیره می‌رود و همخوانی غریبی میان مسائل و معضلات دو ملت امروز با آن روزها می‌یابد و از طرفی هم با قدرت فاسدی که می‌خواهد قلمش را تسلیم عقاید و روند دروغ‌پردازی خود کند، سر ناسازگاری دارد. از این طرف راوی ایرانی، از طریق نزدیک شدن به ذهن و اعمال ستوان و سرباز تحت فرمانش، به اعماق باورهای مردمش می‌لغزد.

می‌توان گفت طراوت و خوش‌ساختی «طریق بسمل شدن» در همین برخورد با نویسنده، کاتب و راوی و آفرینش شخصیت کاتب به‌وسیله متن است. در واقع یک راوی دانای کل هست که ساختمان و پی‌ریزی تمام روایت بر عهده اوست. به‌عنوان مثال، پایان و آغاز رمان با اوست اما وقتی در دل ماجرا می‌لغزیم، دانای کل کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود و به‌جای او کاتب عراقی و راوی ایرانی سر برمی‌آورند؛ اگرچه هر دو آن‌ها هم به گونه‌ای، همخوانی یا دگردیسی ظریفی در متن خود پدید می‌آورند و به یک‌سو و نقطه مشترک کشیده می‌شوند، جدای از نقطه مشترکشان در تپه صفر راوی ایرانی از دل تاریخ سر برمی‌آورد، همچون یک راوی تاریخی اسطوره‌ای. او این‌گونه وارد روایت می‌شود: «چنین است هم در این‌سوی و این‌یکی مرد که در دامنه البرز کوه کج می‌شود؛ کج شده است. از مچ دست تا گردن و پشت و دیگر راست نمی‌تواند بنشیند، راست نمی‌تواند بایستد، راست نمی‌تواند راه برود و چون پلک می‌گشاید بار دیگر مثل هرروز به یاد می‌آورد که هیچ‌کس، هیچ‌کس خاصی نیست و انگار نبوده است تا ببیندیشد به کفش و لباسی که باید به تن کرد. هم این شب‌ها با غور در فرهنگ دو قوم می‌گذراند و واکنش‌هایی از این‌سوی که همه روی جدال با خلافت داشته است، شگفتا؛ یعقوب رویگر هم در خط اهواز بغداد فرمان یافت» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۳). ختم این توصیف از این راوی

اساطیری خمیده از بار تاریخ کجاست؛ نزدیک ستوان و سربازش در تپه صفر؛ یعنی از اعماق تاریخ گذشته به اکنون روایت حرکت داده می‌شویم. کاتب عراقی نیز بازگشتی به همین تاریخ دو قوم دارد، به قصه ابومسلم خراسانی و سنباد و ابودوانیق، به عشق عباسه خواهر خلیفه به وزیر برمکی و غیره. راوی ایرانی از دل تاریخ سر برمی‌دارد و کاتب عراقی از دل آشفته‌گی اکنونی روایت به اعماق تاریخ فرو می‌رود. هر دو اگرچه به صورت سروته، یکی از امروز به تاریخ و یکی از تاریخ به امروز، روایت می‌کنند اما هر دو یک هدف دارند: درهم‌آمیختگی عجیب سرنوشت دو قوم.

اینکه راوی و کاتبی درون‌متنی‌اند که روایتی را پیش می‌برند و به کمک هم کامل می‌کنند که برحسب اتفاق در جنگ باهم هستند، یا حکومت‌هایشان درگیر جنگند، بسیار جالب توجه است؛ یعنی یک اثر، توسط دو شخص آفریده می‌شود که درگیر جنگی خانمان برانداز علیه هم هستند.

شگرد مورد توجه دیگر، عدم آگاهی کاتب و راوی از وقایع و صحنه‌ها و برخورد شخصیت‌ها و تمرد و سرپیچی‌شان از آفریننده‌شان کاتب و راوی است. عدم آگاهی و تمردی که به روش‌های ذیل پدید می‌آیند:

تسلط راوی دانای کل بر روایت ساخته و پرداخته خودش، مخدوش می‌شود و آتش گلوله‌ها چنان همه‌چیز را درهم می‌کوبد که او با حدس و گمان مطلبش را بیان می‌کند: «با چنین تصویری است که از پسین غروب آتش باری روی یک گله‌جا شروع شده و جوانان این داستان را در محاصره‌ی آتش قرار داده است و چون شب است و نمی‌توان هیچ شعله یا نوری به کار داشت، هنوز معلوم نیست که از آن جمع معدود چند نفر به جامانده‌اند. دستور عقب‌نشینی دریافت شده اما نمی‌توان یقین داشت چند نفر توانسته باشند به‌موقع خود را از حلقه آتش بیرون ببرند. بیرون برده باشند یا نیمه‌جان در فاصله‌ای به خاک افتاده باشند» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸). این صدای راوی دانای کل در آغاز رمان است، ولی دانای کلی او نیز محدود شده، او در شب گم‌شده است و چیزی نمی‌بیند و نمی‌داند دقیقه چه اتفاقی افتاده است، برای همین با حدس و گمان حرف می‌زند.

کاتب نیز شخصیت‌هایش را در تپه مورد نظر، گم می‌کند یا به تعبیر بهتر نه نشانی از مکان دقیق داستانش دارد نه نشانی از آدم‌های مانده در آن وطن، فکر کرد وطن و به یاد آورد فکر نکرده است به اینکه تپه داستان او در کجای وطن واقع شده است. تپه صفر، تپه صفر و آن‌ها، آن افراد که باید تپه را به بهای خون خود حفظ می‌کردند، چند نفر بودند در آغاز و حالا چند نفر از آن‌ها باقی‌مانده‌اند؟ هفت، گویا هفت نفر بودند.

در صفحه هشتاد نیز به بن‌بستی اشاره می‌شود که کاتب در آن گرفتار شده و شخصیت‌هایش از او تبعیت نمی‌کنند و این صحنه اوج سرپیچی شخصیت‌ها از نویسنده‌شان و یا اوج به بن‌بست کشاندن مؤلف/ متن است: «اما... اما... من قصد داشتم با پرچم سفید... یعنی با پیراهنی سر یک‌تکه خوب، مشکل تشنگی طرفین را حل کنم. همان سنگر... همان اسیر تنها... خیال داشتم آن سرجوخه را قانع کنم که دست از سماجت بردارد چرا آن سرجوخه لجوج شما هیچ اقدامی نمی‌کند؟»

سرپیچی شخصیت‌ها آن‌هم شخصیت‌هایی که نظامی‌اند، در فصل دهم ادامه دارد. این شیوه برخورد شخصیت‌ها با کاتب و راوی خود، وقتی برجستگی می‌یابد که به محتوای رمان بیندیشیم. اینکه ویژگی جنگ، فرمان‌بری محض از مافوق است اما در اینجا کاتب از سرگرد تبعیت نمی‌کند و دیگران از کاتب و راوی خود. همچنین این نکته که کاتب مدام سرنخ‌ها و وضعیت اشخاص را گم می‌کند، در پایان رمان برجسته‌تر می‌شود. در پایان پس از آتشباران دوباره منطقه، شخصیت‌ها از هم جدا می‌افتند و سرنوشت نامعلومی می‌یابند. ستوان و دو نفر دیگر که در حال حمل اجساد پنج شهید در سینه‌کش تپه هستند، در دود و آتش ناپدید می‌شوند.

**زمینه‌های تاریخی اجتماعی:** در صحنه زندگی سیاسی و تاریخی، همواره مجموعه‌ای از افراد که روابط ساختاری و عینی معینی با یکدیگر دارند، فعالیت می‌کنند و طبقات اجتماعی را تشکیل می‌دهند (گلدمن، ۱۳۷۱: ۶۸). مهم‌ترین ویژگی دولت‌آبادی نگاه ویژه و جهت‌گیری‌ای است که در آثارش نسبت به تاریخ دارد. تاریخ، به‌زعم دولت‌آبادی خود متنی در هم‌پیچیده و متناقض است. متنی از فرم و محتوا در سنت و مدرنیته، حقیقت و دروغ و از خون و کلمات.

به‌ویژه در «طریق بسمل شدن» به‌دلیل روایت شعرگونه نویسنده از جنگ و کتابت، بار نمادین خون و کلمه، در تقابل و تداعی پدیدارها و حتی اشیاء تاریخی، معنایی افزون می‌گیرند (میرحمیدی، ۱۳۹۸/۳/۲۶).

«چاقو در برابر سلاح گرم، گلوله در برابر بمب، قلم نئین در برابر خودنویس لامی و انسان در برابر نفر، روشن است قربان. نفر با آدم فرق می‌کند. چهره‌ی نفر از دور دیده نمی‌شود. نفرات غالباً دسته‌جمعی حرکت می‌کنند و نفر دشمن است. آدم حریف را می‌کشد بی‌آنکه تشخیص بدهد چه کسی را کشته. نفر یا نفراتی با سلاح نفر یا نفراتی کشته می‌شوند و می‌افتند بر زمین؛ اما آدم ... نه» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

دولت‌آبادی در طریق بسمل شدن به‌خصوص، همان‌گونه که تاریخ را تیرنه کرده و از آن می‌گذرد، آن را در جایگاه پرسش و اتهام نیز قرار می‌دهد و به همان شکل که در روایت بی‌طرف نشان می‌دهد، موضع‌گیری و قضاوت را نیز همساز می‌نماید:

«این بود که از وقتی آن گلوله سربی ساخته شد با دستگاهی که بتوان آن را شلیک کرد و انسانی دیگر را کشت، آدمی به عدد تبدیل شد و دیگر به‌دشواری می‌توان کسی را شخص نامید؛ و دیگر این‌که نمی‌توان سخن از جوانمردی، شفقت و آدمیت به میان آورد؛ زیرا این ابزار جدید می‌تواند به چیزها و کسانی شلیک بشود که شناخته نیستند و اسمشان فقط هدف است» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۳).

طریق بسمل شدن به‌گونه‌ای کنایت و اشارتی است ضد کتابت و نوشتن به کلمه، ضد جنگ به جنگ و ضد تاریخ به تاریخ. تاریخ در منظر دولت‌آبادی بافته‌ای است با تاروپود کتابت و جنگ. سرتاسر آکنده است از خون و کلمه و از حقیقت و دروغ. برای مثال اشاراتی فراوان بر آنچه میان دو ملت ایران و عراق گذشته است. اشاره به جنگ تحمیلی و ایمن ایرانیان برای دفاع از میهن خود، درست برخلاف جنگ قادسیه که در آن اعراب ایمن داشتند و ایرانیان غرور.

یکی از عوامل مهمی که هویت و منش ملی را در سطح جامعه با شدت و ضعف همراه می‌کند، زمینه تاریخی اجتماعی موجود در رمان‌های حاوی تنازع‌گفتمان‌های سیاسی از طریق جنگ است (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۷۲) که در رمان مذکور جلوه‌ای ویژه دارد. بخش بارز این جلوه، پیوند میان کلیت تاریخی عرب و عجم است. این پیوند و کلیت از هر دو سو برجسته می‌شود. رفت‌وبرگشت به تاریخ و خونریزی‌ها در طول اعصار، درهم‌تنیدگی فرمی خاصی با آغاز و پایان رمان دارد: آغاز و پایان رمان به یک‌شکل مورد هجوم آتشبارهاست. در رمان مورد بررسی دو راوی ایرانی و عراقی مدام در ذهنیت یکدیگر حلول می‌نمایند. آنچه به عمق تأثیرپذیری مطالب می‌افزاید، تقابل و نزاع ذهنی قصه‌ی راوی ایرانی و عراقی است، با نقیبی به پیشینه‌ی نزاع‌های تاریخی این دو کشور، جنگاوری‌ها، دیدگاه‌های هر دو نویسنده نسبت به مسئله جنگ و هم بر سر صلح یا پیروزی در تپه صفر، چراکه آنجا بازماندگان یک درگیری شدید نیروهای ایرانی و عراقی مترصد یکدیگرند؛ یک فرمانده یا ارشد ایرانی (کوچک کامه، ملقب به کهتر) و سربازی ایرانی (جامو) به همراه اسیری عراقی که دستش به دست سرباز بسته‌شده و آن سوی تپه نیز سرخوخته‌ای عراقی (سعد) که اسیری ایرانی (آنو) دارد و یکی را نیز پیش‌تر کشته.

کاتب عراقی از تپه صفر به سده‌های آغازین اسلام پرت می‌شود، به ابومسلم، ابودوانیق، به عشق عباسه، به برمکیان و ... راوی ایرانی که سیر ذهنی خود را از ابتدای شورش‌های ایرانیان علیه عباسیان آغاز می‌کند و از یعقوب لیث و سیستان به ساواک می‌رسد و درنهایت می‌آید تا تپه صفر. این شیوه پیوند معضلی امروزی به گستره تاریخ، توان امروزی داستان، توان زبان و توان استفاده از برخی رویدادهای خاص را در ژرفابخشی به معنای متن، چند برابر می‌کند. انگار آنچه اثر می‌طلبد نه در رجعت به گذشته آدم‌های رمان که در رجعت به گذشته جمعی و اجتماعی سرزمین آدم‌های اثر است. شاید همین بازگشت به گذشته تاریخی است که حضور غریب شیر و کبوتر را که جنبه‌های رئالیسم جادویی رمان را به نمایش می‌گذارد، در تاروپود خود به مخاطب می‌قبولاند و در ساختمان اثر خوش می‌نشانند و همین‌طور واقعیت تخیلی آن را مسجل می‌سازد.

سبک روایت در این بخش با تغییر مداوم کانونی‌سازی جهت به چالش کشیدن سیر خطی تاریخ است. نویسنده در این رمان دست به تحریف تاریخ معروف یا به هجو کشانیدن حوادث و رخداد‌های مهم آن می‌زند تا نشان بدهد که تاریخ بازنموده‌ای ساختگی است. در این میان با آمد و شد مداوم شخصیت‌هایی تاریخی؛ همچون ابومسلم خراسانی، یعقوب لیث، بابک خرم‌دین و سنباد نیشابوری مواجهیم.

این درهم‌تنیدگی حتی در معرفی راویان و اسلاف و نژادشان وجود دارد؛ به عنوان مثال دربارهٔ راوی عراقی به نام «ابوعلاء» این گونه متوجه ترکیبی بودن نژادش با ایرانیان می‌شویم: «یعنی تو از نطفهٔ عجمی در زهدان زنی عرب حاصل آمده‌ای، از نطفهٔ پسر یحیی برمکی؟... تو فرزندی از فرزندان برمکیان و عباسیان هستی؟!» (دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

**تقابل مسائل اجتماعی و فرهنگی:** فرهنگ هر جامعه ممکن است جنگ را ترویج کند یا منع نماید؛ ضمن این که فرهنگ جامعه در شیوه‌های جنگیدن و رفتار با دشمن نیز تأثیرگذار است. از دیگرسو، بحث نژادپرستی در فرهنگ جوامع مختلف به صورت‌های متفاوتی بروز می‌کند و نمی‌توان به یک نژاد یا قوم خاص اشاره کرد که بیشتر از دیگران به این ایدئولوژی پایبند باشد. اما در هر جامعه‌ای، اغلب افرادی وجود دارند که به دلایل گوناگون از جمله نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا تاریخی به تفکرات نژادپرستانه پناه می‌برند. به نظر می‌رسد تفکرات ضد عرب و نژادپرستانه در بخش‌هایی از این رمان وجود دارد. در بخشی از این رمان کاتب می‌گوید اعراب با جنون خود معیارهای یک ارتش کلاسیک را در جنگ قادسیه شکست دادند. سروان می‌گوید ادبیات ما پر است از تحقیر اعراب و این از دل سوختگی آن شکست است (دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۶۳).

شخصیت‌های این رمان در عرصهٔ تاریخ جدال فرهنگی عرب و عجم را نشان می‌دهند؛ از ابومسلم خراسانی تا قیام سنباد برای خونخواهی او و خیزش یعقوب لیث صفاری علیه خلیفهٔ بغداد و برمکیان مقتول همه نمایندهٔ جدال عرب و عجم هستند. این دیدگاه در نقل قول زیر از این رمان که پژواک ذهن راوی است، آشکار می‌باشد: «تو بدجور گرفتار شده‌ای، ای جرثومهٔ همهٔ نژادها و همهٔ آرمان‌ها! فرزند دیگری شدهٔ زمان‌های نزدیک و دور» (دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۷۶). در بخش دیگر این روایت جدال‌های کلامی نشان می‌دهند که نویسنده قصد دارد این باور را به مخاطب القا کند که کشتن اسیران ایرانی در جنگ ایران و عراق، تأثیرات غیرقابل‌تصور بر جامعهٔ ایرانی داشته است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، تحلیل این اتفاق بر اساس نظام‌های ارزشی و فرهنگی دارای نتایج متفاوتی است. در فرهنگ ایرانی، احترام به حقوق بشر و دیگران بسیار ارزشمند است و این اتفاق به عنوان یک نمونه از بی‌احترامی به حقوق بشر و جنایت جنگی در جنگ‌های بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. برای خانواده‌هایی که عزیزانشان در این اتفاق کشته شدند، این اتفاق به شدت تأثیرگذار بوده است. از دیگرسو، به زعم دولت آبادی به عنوان نویسنده، در فرهنگ عراقی، مفهوم شرف و عزت نفس بسیار ارزشمند است و برای تعدادی از ارتشیان عراقی، کشتن اسیران ایرانی به عنوان یک عمل شجاعانه و برخوردار از شرف محسوب می‌شد.

بر مبنای این نگرش دولت آبادی سعی دارد به این دیدگاه تکیه کند که مباحثی همچون تفاوت فرهنگی عرب و عجم در طول تاریخ برساخته‌های گفتمان‌های حاکم برای تثبیت هژمونی است که در آن، گروه‌های حاکم، موقعیت ممتاز خود را عموماً به وسیلهٔ ابزارهای مبتنی بر رضایت دو گروه متخاصم حفظ می‌کنند. به این ترتیب، آن‌ها رضایت توده‌های تحت سلطه را از طریق تبیین نگرش نژادمحور که مدعی سخن‌گفتن از سوی همگان بوده است، به دست می‌آورند (Rupert, 2009: 177)؛ از همین رو این هژمونی است که اجازه می‌دهد تا ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی یک گروه غالب در سراسر جامعهٔ عرب یا عجم رواج یابد و گروه‌ها و طبقات زیردست، آن‌ها را به عنوان قواعد خود بپذیرند (Hobden and Wyn Jones, 2001: 236).



## نتیجه‌گیری

از مجموع آن‌چه دربارهٔ اجتماعیات در رمان طریق بسمل شدن گفته شد، این نتایج به دست آمد که مؤلفه‌های بارز اجتماعیات در رمان طریق بسمل عبارت است از: تقابل شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع، زمینه‌های تاریخی اجتماعی و تقابل مسائل اجتماعی و فرهنگی در رمان طریق بسمل شدن. در بخش مربوط به تقابل شخصیت‌های طبقات مختلف اجتماع این نتیجه به دست آمد که در طریق بسمل شدن بیش از ۵۲ شخصیت در رمان حضور دارند. فرم و شیوهٔ شخصیت‌پردازی این اثر متأثر از وقایع و پیچیدگی شرایط جامعه است. شخصیت‌ها در رمان طریق بسمل شدن به دودسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که همراه با برنامه‌های نظام حاکم بر جامعه پیش می‌روند برای فرصت‌طلبی. دستهٔ دیگر آدم‌هایی هستند که از موقعیت پیش‌آمده چندان راضی نیستند و نگاه انتقادی به جنگ دارند. در این رمان جوهر فکری نویسندهٔ ایرانی و عراقی به عنوان نمایندهٔ شخصیت‌های پروبلماتیک یا مساله‌دار دو ملت متخاصم برگرفته از میل به صلح در جوامع انسانی است. این دو شخصیت با مشکلات و مسائلی روبرو هستند که به عنوان نماینده‌ای از جامعه‌ای که به شدت تحت تأثیر جنگ قرار گرفته، به تصویر کشیده شده است تا به خوبی نشان دهند که جنگ چگونه بر جامعه اثر می‌گذارد.

در این روایت با ازهم‌گسیختگی گفتمان سیاسی عراقی مواجهیم؛ زیرا کاتب عراقی به اعماق تاریخ و آغاز ورود اعراب به ایران و وزارت ایرانیان در دم‌دستگاه عباسیان و غیره می‌رود و همخوانی غریبی میان مسائل و معضلات دو ملت امروز با آن روزها می‌یابد و از طرفی هم با قدرت فاسدی که می‌خواهد قلمش را تسلیم عقاید و روند دروغ‌پردازی خود کند، سر‌ناسازگاری دارد. در بخش‌هایی از رمان مذکور، سرگرد عراقی سعی دارد از طریق تهدید و تحمیل، گفتمان حقیقی مندرج در ذهن کاتب عراقی را به حاشیه براند و از این طریق با تثبیت معنا و هویت بخشی، هژمونی موردنظر خود را که همانا واژگون کردن علت‌های واقعی قتل اسیران ایرانی است، برجسته کند.

در بخش مربوط به تقابل زمینه‌های تاریخی اجتماعی این نتیجه به دست آمد که در این رمان به دلیل روایت شعرگونهٔ نویسنده از جنگ و کتابت، بار نمادین خون و کلمه، در تقابل و تداعی پدیدارها و حتی اشیاء تاریخی، معنایی افزون می‌گیرند. در رمان مورد بررسی تقابل و نزاع ذهنی قصه‌ی راوی ایرانی و عراقی با نقبی به پیشینه‌ی نزاع‌های تاریخی این دو کشور، جنگاوری‌ها، دیدگاه‌های هر دو نویسنده نسبت به مسئلهٔ جنگ و هم‌بر سر صلح یا پیروزی در تپهٔ صفر است. کاتب عراقی از تپه صفر به سده‌های آغازین اسلام پرت می‌شود، به ابومسلم، ابودوانیق، به عشق عباسه، به برمکیان و ... راوی ایرانی سیر ذهنی خود را از ابتدای شورش‌های ایرانیان علیه عباسیان آغاز می‌کند و از یعقوب‌لیث و سیستان می‌گذرد تا می‌رسد به تپه صفر.

در بخش مربوط به تقابل زمینه‌های تقابل مسائل اجتماعی و فرهنگی این نتیجه به دست آمد که دولت‌آبادی سعی دارد به این دیدگاه تکیه کند که مباحثی همچون تفاوت فرهنگی عرب و عجم در طول تاریخ بر ساخته‌های گفتمان‌های حاکم برای تثبیت هژمونی است که در آن، گروه‌های حاکم، موقعیت ممتاز خود را عموماً به وسیلهٔ ابزارهای مبتنی بر رضایت دو گروه متخاصم حفظ می‌کنند. به این ترتیب، آن‌ها رضایت توده‌های تحت سلطه را از طریق تبیین نگرش نژادمحور که مدعی سخن‌گفتن از سوی همگان بوده است، به دست می‌آورند.

## منابع

- ادهمی، جمال؛ جهانگیری، پرویز و دیداری، چنور (۱۳۹۰)، «نقد جامعه‌شناختی رمان «سفر» محمود دولت‌آبادی»، فصلنامه زبان و ادب فارسی، سال سوم/شماره ۷، صص ۳۵-۵۴.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۹۷) طریق بسمل شدن» چ ۱، تهران: چشمه.
- رزقی، خدیجه (۱۳۹۳) بررسی جامعه‌شناسی رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی، استاد راهنما: محمد حسین خان محمدی، کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

- عسگری، عسگر و شهبازی، آرزو (۱۳۹۳)، «نقد ساخت‌گرایی رمان همسایه‌ها»، نشریه مطالعات داستانی، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۷-۷۰.
- فروزانفر، احمد؛ دینوی زاده، شهلا (۱۴۰۱)، «واکاوی نمادها و اسطوره‌های رمان طریق بسمل شدن از محمود دولت‌آبادی»، پژوهشنامه ادبیات داستانی، شماره ۴۲، صص ۱۷۷-۱۹۸.
- کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۴)، «جنگ و هویت با رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق»، مجله مطالعات ملی، سال ۶، شماره ۲، صص ۷۱-۸۵.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)، ترجمه: محمد پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- گلدمن، لوسین (۱۳۸۲)، نقد تکوینی، ترجمه: محمدتقی غیائی، تهران: نگاه.
- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت (۱۳۷۷)، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران: مهناز.
- نصر اصفهانی، محمدرضا؛ شمعی، میلاد (۱۳۸۸)، نقد جامعه‌شناختی رمان جای خالی سلوچ اثر محمود دولت‌آبادی. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۶، صص ۱۵۱-۱۶۸.
- Hobden, Stephen & Wyn Jones, Richard (2001), "Marxist theories of International Relations" in John Baylis and Steve Smith (eds), The Globalization of world politics: An Introduction to International Relations, Oxford University Press.
- Nettleton, S. (1996), The sociology of health and illness, USA Polity Press of Sociology, Vol 85, No 9. Pp 94-108.
- Rupert, M. (2009), "Antonio Gramsci", in: Jenny Edkins and Nick Vaughan Williams (eds), Critical Theorists and International Relations, London and New York: Routledge.
- Shilling, C. (1993). Body and Social Theory. London: Routledge.

#### منابع اینترنتی

- از میان کلمات و خون؛ نگاهی به آخرین اثر محمود دولت‌آبادی فرزاد، میرحمید  
http://jongefarda.ir/adabi/%D8%A7%  
 گل محمدی، حسن، بررسی «طریق بسمل شدن»، رمان جدید محمود دولت‌آبادی  
<https://www.bartarinha.ir/fa/news/764021>